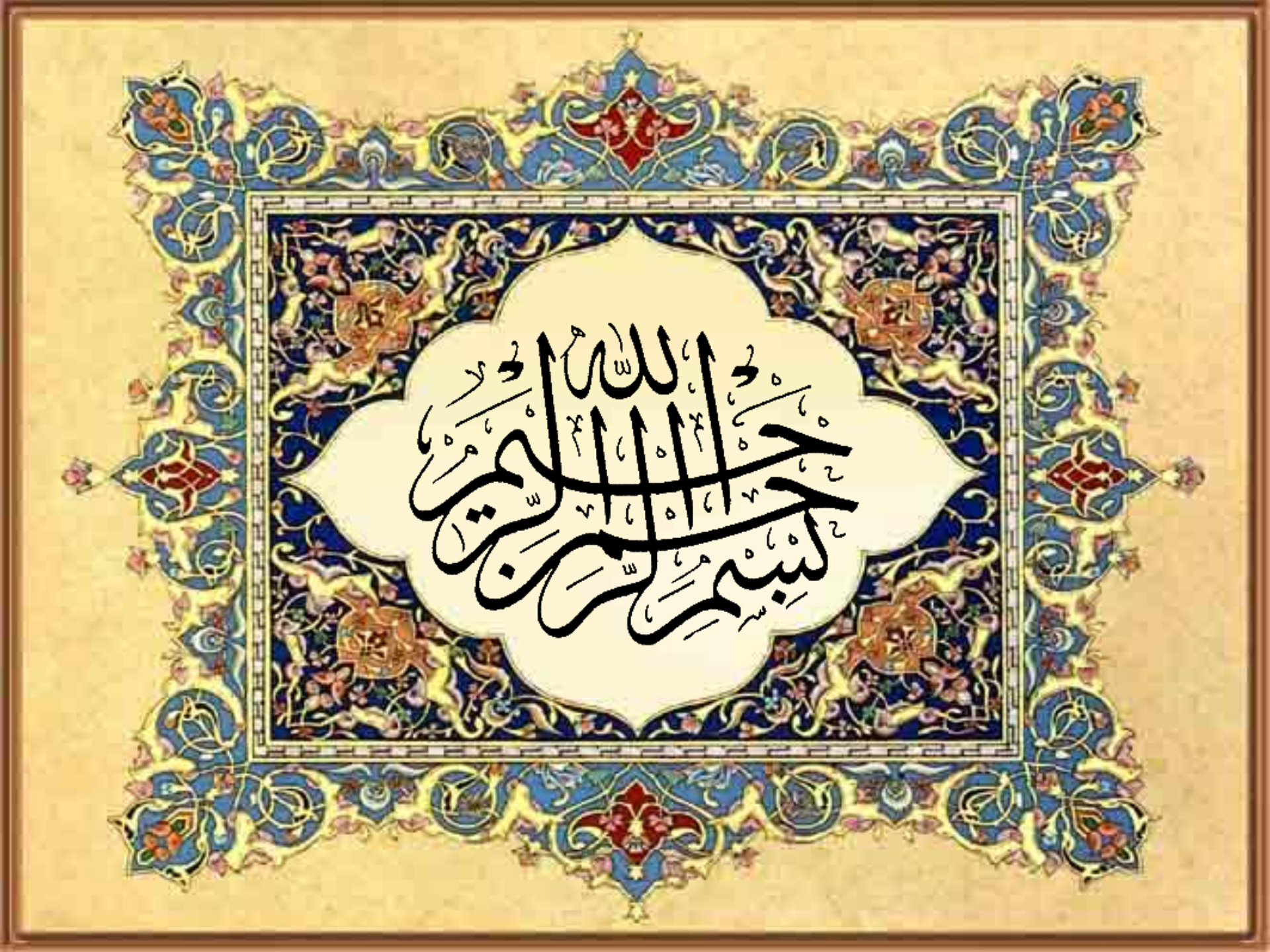
بسم الله الرحمن الرحيم

شرایط فرهنگی اجتماعی میهن اسلامی در میانهٔ جنگ تحمیلی و نقش دانشگاهیان در جهاد تبیین

- آیا مشکل ما با صهیونیست ها حل می شود؟!

- مروری برآنچه در این ۱۲روز گذشت/ نظامی-فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی
- جنگ و سختی های آن/ جنگ آخرالزمانی/ جنگ ماهیتی
- هدف از زندگی؟!
- آیا جنگ تمام شد؟ معنی «توقف پاسخگویی به آتش دشمن» چیست؟
- ریشه‌های اختلاف صهیونیست‌ها با ایرانیان
- کتاب مقدس بخوانیم/ قوم برتر/ کشتار انسان‌ها با ظن خطر از ناحیهٔ آنها/ ماجرای استر و مُردخای از کتاب استر/ جشن پوریم
- توان بالای یهود برای افسانه‌پردازی و تحریف واقعیت/ وقتی می‌توانند کتاب و دستور خدا را عوض کنند، بقیه امور که جای خود را دارد!
- تعداد یهودیان دنیا
- افسانه‌ای به نام هولوکاست / میزان محبوبیت یهود نزد سایر ملتها / دلیل تلاش سیاستمداران غربی برای دور نگه‌داشتن صهیونیست‌ها از موطن خود
- دلیل اصلی نفرت اروپایی ها از یهود و رواج یهودستیزی
- دل‌بستن دشمن به اختلافات داخلی
- اطّلاعات و سپاه کجا بودند؟
- جایگاه و وضعیت مردم و اهالی فرهنگ و گروه‌های مرجع حین نبرد و در شرایط آتش‌بس
- نقش دانشگاهیان در تبیین شرایط/ نترسیم و نترسانیم/ اگر نمی دانیم، بگوییم: نمی‌دانم!

مروری برآنچه در این ۱۲روز گذشت (از منظر ساحت‌های چهارگانهٔ نظامی-فرهنگی-اجتماعی- اقتصادی)

جنگ و سختی های آن

- جنگ، جنگ است و عزّت و شرف دین و میهن در گرو همین مبارزات است.
- «رجزخوانی» بخشی از نبرد است!

- آیا جنگ تمام شد؟
- معنی «توقّف پاسخگویی به آتش دشمن» چیست؟

- ریشه‌های اختلاف صهیونیست‌ها با ایرانیان
- آیا ما آغازگر جنگ بوده‌ایم؟

- جشن پوریم
- ماجرای استر از نگاه یهود
- واقعیت کشتار ایرانیان

گورستان استر و مُردخای (به عبری: **קבר אסתר ומרדכי**) بقعه‌ای یهودی است که در مرکز شهر همدان، ابتدای خیابان دکتر شریعتی قرار دارد.

بنا بر سنت یهودی ایرانی، این بقعه، مدفن اِستِر و مُردُخای است. این سنت مورد پشتیبانی یهودیان خارج از ایران قرار ندارد و در هیچ‌یک از تلمودهای بابلی یا اورشلیمی ظاهر نشده‌است. اولین منبع یهودی در خصوص این بقعه‌ها بنیامین تطیلی است که در سال ۱۰۶۷ میلادی از همدان بازدید کرد. به گفته او، در همدان که اِستِر و مُردُخای در آن در برابر یک کنیسه دفن شده بودند، ۵۰۰۰۰ یهودی زندگی می‌کردند. شاهین نخستین منبع سنت یهودی ایرانی، رویاهای اِستِر و مُردُخای و رفتنشان به همدان که در آنجا درون کنیسه ابتدا مُردُخای و سپس یک ساعت بعد اِستِر درگذشتند را روایت می‌کند.

جشن پوریم (به مناسبت هولوکاست ایرانیان به دست یهودیان)

- همزمان با سیزده‌بدر ایرانیان، یهودیان سراسر جهان به شکرانهٔ پیروزی بزرگ خود در کشتار مخالفان، جشن مفصّلی برگزار می‌کنند که به «جشن پوریم» شهرت یافته است. در این روز صهیونیست‌ها تا حد جنون شراب می‌نوشند و بدمستی یکی از سنت‌های آنان در این روز است. اوج این جشن‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است و خاخام‌های صهیونیست در نوشیدن مشروبات و رقص و پایکوبی با یکدیگر رقابت می‌کنند.
- جشن پوریم (Purim) یا «عید کشتار ایرانیان»، همواره به عنوان یک عید ویژه در تقویم عبری یهودیان دنیا مطرح بوده و هست؛ یکی از رسوم این عید برای یهودیان در سراسر دنیا پوشیدن لباس مبدّل است. جشن «پوریم» یکی از سنت‌های قدیمی قوم یهود است که در دهه‌های اخیر و پس از تشکیل رژیم جعلی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، رنگ و بوی متفاوتی به خود گرفته است. این به اصطلاح جشن که همزمان با سیزدهمین روز از سال جدید خورشیدی برگزار می‌شود، در حقیقت جشن و پایکوبی بر خون ده‌ها هزار نفر از مردم ایران است که با توطئه و دسیسه دو یهودی نفوذی در دربار خشایارشاه کشته شدند.
- در آموزه‌های تلمود به صراحت به نوشیدن شراب تا حد سرمستی در این روز توصیه شده است: «در روز پوریم هر فرد یهودی مکلف است به حدی شراب بنوشد که تفاوت میان «نفرین بر هامان» و «درود بر مردخای» را تشخیص ندهند.»!
- نوشیدن خون یا نوشیدنی به رنگ خون به عنوان نمادی از کینه یهودیان صهیونیست نسبت به ایرانیان از دیگر رسوم آنان در این جشن است.
- یکی دیگر از سنت‌های مرسوم در این روز به آتش کشیدن نمادین هامان و نیز پختن نوعی شیرینی به نام «گوش هامان» است.

ماجرای استر از نگاه یهود

- طومار استر بخشی از کتاب مقدس یهودیان "عهد عتیق" می باشد. استر دختری یهودی بنام هَدَسا است که ناخواسته به دربار خشایارشاه راه می یابد و برخلاف باور همگان بعنوان ملکه انتخاب می گردد. استر در موقعیت و شرایط جدید نیز قوم و دین خود را به فراموشی نمی سپارد و همچون گذشته تابع قیم و مربی خود پسر عمویش "مردخای" می باشد. گویی تقدیر الهی شفایی را پیشاپیش برای وقایع بعدی آماده می سازد.
- پس از مدتی هامان که بر خلاف ایرانیان، فردی بت‌پرست، متکبّر و جاه‌طلب است و به مقام رئیس وزرایی خشایارشاه می رسد و تصمیم به نابودی یهودیان می گیرد و برای اجرای توطئه ی خود برنامه ریزی نموده و روز خاصی را در تمام مناطق ایران معین می نماید. در این بین یهودیان رو به خدا آورده و درخواست رهایی و خلاصی دادند، مردخای از استر می‌خواهد تا به حضور پادشاه رفته و از او نجات قومش را درخواست نماید.
استر برای رهایی همکیشان با جانفشانی پا در میدان گذاشته و با برملا ساختن توطئه هامان نزد پادشاه، حکم نابودی هامان صادر می‌گردد. در مراحل بعدی خشایارشاه به یهودیان اجازه می‌دهد تا به دفاع از خود بپردازند و بدین گونه توطئه هامان نقش بر آب گشته و در همان روزی که دشمنان قصد نابودی موحدین را داشتند خود نابود می‌گردند.
- باید به این نکته اشاره کنیم که واقعهٔ پوریم دقیقاً در تاریخ ۳۴۰۵ عبری (حدوداً ۳۵۶ قبل از میلاد مسیح) به وقوع پیوسته و همچنین هیچ سند تاریخی دیگری غیر از «تومار استر» یا «مگیلت استر» به این واقعهٔ مذهبی اشاره نکرده است. مگیلت استر جزو کتب مقدس یهود بشمار می‌رود. که حاوی مطالب دقیق فلسفی و مذهبی است. و در تاریخ ۵ آدار ۳۴۰۶ عبری نوشتن آن توسّط مردخای و استر به پایان رسیده است.

واقعیت کشتار ایرانیان ۳۵۶ سال قبل از میلاد مسیح

- در زمان خشایارشاه هخامنشی که بر ۱۲۷ استان فرمان می‌راند، یهودیان جزء اقلیت های مذهبی ایران بودند و همواره سعی در نفوذ در دربار شاه ایران داشتند. هامان صدراعظم خشایارشاه بدلیل نافرمانی یهودیان از دستورات و قوانین پادشاهی، از عدم پرداخت مالیات و سرپیچی از فرمان پادشاه این قوم ابراز نگرانی می کند و پادشاه را در جریان توطئه های یهودیان قرار می‌دهد و از پادشاه می‌خواهد تا پیش از آنکه این قوم علیه تاج و تخت شاه اقدامی کنند، با توطئه این قوم مقابله کند.
- مردخای رهبر یهودیان آن زمان ایران سرانجام با دسیسه‌های فراوان و فرستادن یکی از دختران یهودی (هدسه، یا همان استر) به دربار، او را جانشین وشتی، شهبانوی ایران که به جرم سرپیچی از دستور گستاخانه خشایارشاه برای نمایان کردن زیبایی ای خود برای مهمانان شاه در دربار برکنار، و به دست جلاد شاه کشته شده بود، می کند. (شاه در حالت مستی ،ملکه وشتی را فراخواند در میهمانی حاضر شود و زیبایی خود را به میهمانان نشان دهد. از آنجا که زنان ایرانی به عفت شهره بوده و برای آن بسیار اهمیت قائل‌اند ملکه از این کار سر باز زد، و شاه با مشاوره مردخای، تصمیم گرفت که او را عزل کند و بکشد و شخص دیگری را جای او بنشاند.)
- با ورود "استر" دخترک جوان زیباروی یهودی به دربار، مردخای به راحتی نقشه های شوم خود را بوسیله استر و اغوای شاه ایران اجرا می کند. هامان نیز شاه را از توطئه مردخای آگاه می سازد و پادشاه دستور بر دار کردن مردخای را صادر می کند. اما استر که به شدت بر روی شاه سست عنصر تسلط یافته بود، با خائن جلوه دادن هامان و اینکه وی توطئه کشتن شاه را در سر دارد، هامان را بر دار می کنند. وطئه استر و مردخای با کشتن هامان پایان نمی پذیرد و آنها حکم قتل هر ۱۰ پسر هامان را نیز از پادشاه ایران می گیرند و در قدم بعدی ۱۰ پسر هامان نیز کشته می شوند.
- اوج دشمنی یهودیان با ایرانیان پس از کشتن هامان و ۱۰ پسرش آنجا بیشتر آشکار می شود که استر و مردخای با کشته شدن پسران هامان نیز راضی نشده و اجساد آن ها را در شهر بر دار می کنند تا میان ایرانیان رعب و وحشت ایجاد کرده و ناگفته سرنوشت دشمنان و مخالفان یهودیان را به نمایش بگذارند.
- هامان به جز این ۱۰ پسر، یک فرزند دختر نیز داشت که پیش از کشته شدن، خود کشی می کند.
- پس از کشتن هامان، یهودیان مهاجر ساکن در ایران که اینک در دربار نیز راه یافته بودند، با هجوم به شهرهای ایران، دست به قتل عام گستردهٔ ایرانیان می زنند. در ۱۲۷ استان ایران آن زمان، طی دو روز، بیش از ۷۷ هزار ایرانی (به اعتراف یهود در کتاب استر)، و به روایت محققان مستقل، ۵۰۰ هزار نفر، کشته می‌شوند.
- توصیف «کتاب استر» (از کتب عهد عتیق) از کشتار نخبگان و پارسایان ایرانی: «و یهودیان بر دشمنان خویش استیلا یافتند... ترس ایشان بر همه قوم‌ها مستولی شده بود و جمیع رؤسای ولایت‌ها و امیران و والیان و عاملان پادشاه، یهودیان را اعانت کردند، زیرا ترس مردخای بر ایشان مستولی شده بود... پس یهودیان جمیع دشمنان خود را به دم شمشیر زده، کشتند و هلاک کردند و با ایشان هر چه خواستند، به عمل آوردند. یهودیان در دارالسلطنه شوش ۵۰۰ نفر را به قتل رسانیده و هلاک کردند... ۱۰ پسر هامان بن همدانای، دشمن یهود را کشتند... و جسد آنان را در شوش به دار آویختند... در روز چهاردهم ماه آذار نیز جمع شده، ۳۰۰ نفر را در شوش کشتند... و سایر یهودیانی که در ولایت‌های پادشاه بودند... ۷۷ هزار نفر از مبغضان خویش را کشته بودند... در روز چهاردهم ماه آرامی یافتند و آن روز را روز بزم و شادمانی نگاه داشتند...»
- در آن زمان ایران نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر جمعیت داشته و با احتساب ۵۰۰ هزار نفر، بیش از نیمی از جمعیت آن روز ایران به دست یهودیان قتل عام می‌شوند.

کتاب مقدّس

- کتاب مقدس شامل دو بخش «عهد عتیق» و «عهد جدید» است. عهد عتیق حدود سه چهارم کتاب مقدس را در بر می‌گیرد.
- عهد عتیق، مجموعه ۳۹ کتاب و یا رساله است که به زعم مسیحیان و یهودیان توسّط برخی از پیامبران و یا پیروان آنها در طول قرون متوالی ـ از زمان حضرت موسی (علیه‌السّلام) تا قبل از میلاد مسیح (علیه‌السّلام) نگاشته شده است.
- پنج کتاب آغازین این بخش، تورات حضرت موسی (علیه‌السّلام) نامیده می‌شود.
- بخش «عهد جدید» مجموعهٔ ۲۷ کتاب و یا رساله است که سالها بعد از حضرت مسیح (ع) به گمان مسیحیان توسط ۸ تن از شاگردان و یا پیروان اولیهٔ آن حضرت در طول ده‌ها سال نگاشته شده است. چهار کتاب آغازین این بخش، «انجیل» نامیده می‌شود.
- تورات
  - جلد اول: کتاب برشیت-آفرینش { **בראשית** (سفرپیدایش)}
  - جلد دوم: کتاب شموت-خروج
  - جلد سوم: کتاب ویقرا-لاویان
  - جلد چهارم: کتاب بمیدبار-اعداد
  - جلد پنجم: کتاب دواریم-تثنیه
- کتاب اول، سفر پیدایش (کتاب برشیت)، پنجاه فصل دارد.

کتاب مقدّس / پاراشای لِخ‌لِخا-فصل دوازدهم

۱. خداوند به اَورام گفت از کشورت و از زادگاهت و از خانه‌ی پدرت به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو.
۲. تو را به قوم بزرگی مبدل خواهم کرد. تو را برکت نموده، نامت را بزرگ خواهم کرد تا نمونه‌ی برکت گردی.
۳. برکت‌کنندگانت را برکت و نفرین کننده‌ات را لعنت خواهم کرد. تمام قبایل زمین به وسیله‌ی تو برکت یابند.
۴. اَورام همانطور که خداوند به وی گفته بود، حرکت کرد. لُوط (هم) همراهش رفت. اَورام موقع خارج شدن از حاران هفتاد و پنج ساله بود.
۵. اَورام و زنش سارَی و پسر برادرش لُوط و تمام اموالی را که بدست آورده بودند و اشخاصی را که (اَورام و سارَی) در حاران ارشاد کرده بودند برداشتند و برای رفتن به سرزمین کِنَعَن (کنعان) با خود بردند. پس (از حاران) خارج گشته به سرزمین کِنَعَن (کنعان) وارد شدند.
۶. اَورام در آن سرزمین تا محل شِخِم و تا اِلُون مُورِه رفت و آمد می‌نمود. آن وقت قبیله‌ی کِنَعَنی (کنعانی) در آن سرزمین بود.
۷. خداوند به اَورام ظاهر شده گفت: این سرزمین را به نسلت خواهم داد. آنجا قربانگاهی برای خداوند که به او ظاهر شده بود بنا کرد.
۸. از آنجا به سوی کوه شرق بِت اِل کوچ نموده چادرش را برافراشت. بِت اِل در غرب، عَی در شرق آن (کوه) بود. آنجا قربانگاهی برای خداوند بنا نمود و (آن‌را) بنام خداوند نامید.
۹. اَورام کوچ‌کنان به سوی نِگو مسافرت می‌کرد.
۱۰. در آن سرزمین قحطی شد. نظر به اینکه قحطی در آن سرزمین شدید بود، اَورام به مصر وارد شد تا در آنجا اقامت کند.
۱۱. همین که نزدیک بود به مصر وارد گردد به سارَی زنش گفت اینک دانستم که تو زن زیبارویی هستی.
۱۲. همانا موقعی‌که مصری‌ها تو را ببینند، خواهند گفت این زنش است، مرا کشته، تو را زنده می‌گذارند.
۱۳. لطفاً بگو تو خواهر منی. برای اینکه به‌خاطر تو به‌من خوبی شود و به‌خاطر تو وجودم زنده بماند.
۱۴. موقع وارد شدن اَورام به مصر، مصری‌ها آن زن را دیدند که بسیار زیباست.
۱۵. سرداران پَرعُوه (فرعون) او را دیده، او را نزد پَرعُوه (فرعون) ستودند. پس آن زن به‌خانه‌ی پَرعُوه (فرعون) برده شد.
۱۶. (پَرعُوه (فرعون)) به‌خاطر وی به اَورام خوبی کرد. (اَورام) دارای گوسفندان و گاوان و خران و غلامان و کنیزان و ماده الاغان و شتران شد.
۱۷. به‌خاطر سارَی زن اَورام، خداوند، پَرعُوه (فرعون) و خاندانش را دچار بلاهای بزرگی نمود.
۱۸. پَرعُوه (فرعون)، اَورام را صدا زده گفت: این چه کاری است که به من کردی؟ چرا به من نگفتی که او زنت است؟
۱۹. چرا گفتی خواهرم است که من او را به همسری خود درآورم؟ حالا این زنت را بردار و برو.
۲۰. پَرعُوه (فرعون) در مورد وی به افراد (خود) دستور داد. او و زنش را با آنچه داشت، روانه کردند.

کتاب مقدّس/ وَیِرا- فصل نوزدهم(۱)

۱. آن دو فرشته هنگام غروب به سِدُوم رسیدند و لُوط در دروازه‌ی سِدُوم نشسته بود و لُوط (آن‌ها را) دید و برای استقبالشان برخاسته (به حالت احترام) سر تعظیم بر زمین فرود آورد.
۲. گفت اینکه ای سرورانم لطفاً به سوی خانه‌ی بنده‌تان نزدیک شوید. شب را به‌سر برید پاهایتان را بشویید (بامدادان) سحرخیزی کرده به راهتان بروید. گفتند نه بلکه شب را در خیابان به‌سر خواهیم برد.
۳. به آن‌ها بسیار اصرار نمود. پس نزدیک شده به خانه‌اش وارد شدند. ضیافتی برایشان ترتیب داد. فطیر پخت خوردند.
۴. قبل از آنکه بخوابند، مردم شهر، مردهای سِدُوم از جوان تا پیر، تمام قوم از هر طرف، خانه را احاطه کردند.
۵. لُوط را صدا زده به او گفتند، مردهایی که امشب نزد تو آمده‌اند کجا هستند؟ آن‌ها را پیش ما بیرون آور تا با آنان درآمیزیم[۱].
۶. لُوط به سوی آن‌ها به طرف دَرِ خانه خارج شد و دَر را عقب خود بست.
۷. گفت ای برادرانم لطفاً بدی نکنید.
۸. اینک من دو دختر دارم که با مردی آمیزش نداشته‌اند، اکنون آن‌ها را نزدتان بیرون خواهم آورد و هرآنچه به نظرتان خوش باشد با آن‌ها بکنید. فقط به این مردها کاری نکنید زیرا به همین جهت زیر سایه‌ی سقف من آمده‌اند.
۹. مردهای شهر به لُوط گفتند دور شو! (به‌همدیگر می‌گفتند) این یکی (لُوط) آمده زندگی کند دارد داوری می‌کند. (خطاب به لُوط) اکنون به تو بدتر از آن‌ها می‌کنیم. (مردم شهر) زیاد به شخص لُوط اصرار ورزیده نزدیک شدند، که دَر را بشکنند.
۱۰. آن مردها (فرشته‌ها) دستشان را دراز کردند و لُوط را پیش خودشان به خانه آوردند و دَر را بستند.
۱۱. و مردمی را که جلو دَرِ خانه بودند از کوچک تا بزرگ به بیماری کوری (خیرگی چشم) مبتلا کردند (به‌طوریکه) عاجز شدند، که دَر را پیدا کنند.
۱۲. آن مردها (فرشته‌ها) به لُوط گفتند: دیگر چه کسانی را اینجا داری؟ داماد و پسران و دختران و آنچه را در شهر داری از این محل بیرون ببر.
۱۳. زیرا ما این محل را تباه می‌کنیم نظر به اینکه ناله‌شان به پیشگاه خداوند شدید شده است، خداوند ما را روانه کرد که تباهش سازیم.
۱۴. لُوط بیرون رفته و به دامادهای خود، در اختیار دارندگان دخترانش[۲]، گفت: نظر به اینکه خداوند این شهر را تباه می‌کند برخیزید از این محل بیرون روید. در نظر دامادهایش چنین آمد که او (آن‌ها را) مسخره می‌کند.
۱۵. هنگامی‌که سپیده دمید فرشتگان، لُوط را به شتاب واداشته گفتند: برخیز زن و دو دخترت را که حاضرند ببر مبادا به‌خاطر گناه شهر فنا گردی.
۱۶. (لُوط) معطل کرد. آن مردها (فرشته‌ها) به‌خاطر لطف خداوند به او، دست او و زنش و دو دخترانش را گرفته بیرونش بردند و در خارج شهر قرارش دادند.
۱۷. هنگامی‌که آن‌ها را به خارج (شهر) می‌بردند (یکی از فرشته‌ها) گفت جانت را رهایی بخش، عقبت نگاه مکن و در هیچ نقطه‌ی دشت نایست. زود به سوی آن کوه فرار کن مبادا فنا گردی.
۱۸. لُوط به آن‌ها گفت سرورانم لطفاً نه.
۱۹. اکنون که بنده‌ات به نظرت پسندیده آمد و احسانت را که برای زنده نگه‌داشتن جانم زیاد کردی من نخواهم توانست زود به‌سوی آن کوه بگریزم مبادا که آن بلا به من برسد و بمیرم.
۲۰. هم اکنون این شهر برای گریختن به آن نزدیک است و این (شهر) کوچک است. حالا اجازه می‌خواهم به آنجا بگریزم. البته کوچک (کم گناه) است. شاید جانم زنده بماند.
۲۱. به او گفت اینک در این مورد هم آنچه گفتی خواهشت را پذیرفتم که آن شهر را ویران نسازم.
۲۲. نظر به اینکه تا آمدن تو به آنجا نخواهم توانست کاری کنم، عجله کن به آنجا بگریز. از این جهت نام آن شهر را صُوعَر خواند.
۲۳. آفتاب بر زمین طلوع کرد. لُوط به صُوعَر رسید.
۲۴. و خداوند بر سِدُوم و بر عَمُورا گوگرد و آتش بارانید. (این بلا) از جانب خداوند از آسمان بود.
۲۵. این شهرها را و تمام دشت و تمام ساکنین این شهرها و گیاه زمین را نابود کرد.
۲۶. زنش (پشت سر لُوط که جانب شهر بود) نگاه کرد و به ستون نمک تبدیل شد.
۲۷. اَوراهام (ابراهیم) (برای رفتن) به محلی که آنجا در حضور خداوند ایستاده بود سحرخیزی کرد.
۲۸. (اَوراهام (ابراهیم)) بر سطح سِدُوم و عَمُورا و به تمام سطح آن دشت نظر افکنده دید اینک ستون دود آن سرزمین، چون ستون دود کوره بالا می‌رود.
۲۹. در حینی که خداوند شهرهای آن دشت را تباه می‌کرد، خداوند اَوراهام (ابراهیم) را مدنظر قرار داد. از میان آن ویرانی، در موقع ویران کردن آن شهرها که لوط در آن نشسته بود، لُوط را روانه کرد.

کتاب مقدّس / وَیِرا - فصل نوزدهم

- ۳۰. لُوط چونکه می‌ترسید در صُوعَر ساکن شود از صُوعَر عزیمت کرده در آن کوه ساکن شد و دو دخترش همراه او بودند. او و دو دخترش در غار منزل کردند.
- ۳۱. دختر ارشد به دختر کوچکتر گفت پدرمان پیر است و مردی در جهان نیست که بر حسب رسم جهان با ما آمیزش کند.
- ۳۲. بیا پدرمان را شراب بنوشانیم و با او همخوابی کنیم و از پدرمان نسلی زنده نگه‌داریم.
- ۳۳. در همان شب پدرشان را شراب نوشاندند. دختر ارشد آمده با پدرش همخوابگی کرد و هنگام خوابیدن و برخاستن وی (پدرش) نفهمید.
- ۳۴. فردای آن روز دختر ارشد به دختر کوچکتر گفت اینک دیشب با پدرم همخوابگی کردم. امشب هم او را شراب بنوشانیم. بیا با او همخوابگی کن تا از پدرمان نسلی زنده نگه‌داریم.
- ۳۵. در آن شب هم پدرشان را شراب نوشانیدند. دختر کوچکتر برخاسته با پدرش همخوابگی کرد و هنگام خوابیدن و برخاستن وی (پدرش) نفهمید.
- ۳۶. دو دختر لُوط از پدرشان باردار شدند.
- ۳۷. دختر ارشد پسری زائید نامش را مُوآو خواند که تا امروز بنیانگزار (قوم) مُوآو است.
- ۳۸. دختر کوچتر هم پسری زائید و نامش با بِن‌عَمی خواند که تا امروز بنیانگزار (قوم) بِنِه‌عَمُون است.

- [۱] کلمه‌ی **וְנִדָּעָה** را همخوابی کنیم نیز ترجمه کرده‌اند.
- [۲] کلمات «لوقحه بِنوتاو» نامزدهای دخترانش نیز ترجمه شده است.

- قوم برتر
- کشتار انسان‌ها با ظن خطر از ناحیهٔ آنها

- چرایی و چگونگی ایجاد رژیم صهیونیستی
- چرا مسلمان‌ها باید تاوان هولوکاست احتمالی یهود را بدهند؟!

افسانه‌ای به نام هولوکاست

جمعیت یهودیان

- جمعیت یهودیان در جهان، تا ابتدای سال۲۰۲۵ حدود ۱۵ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر یعنی ۰/۲درصد از جمعیت ۸ میلیاردی جهان تخمین زده می‌شود.

- آژانس یهود می‌گوید: ۷ میلیون و۳۰۰هزار یهودی در اسرائیل و ۶ میلیون و۳۰۰هزار در امریکا زندگی می‌کنند.

افسانهٔ هولوکاست

- صهیونیست‌ها چنین تبلیغ می‌کنند:

—در سال ۱۹۳۹، جمعیت هسته یهودی به اوج خود یعنی ۱۷ میلیون (۰/۸ درصد جمعیت جهان) رسیده بود که پس‌از هولوکاست در سال ۱۹۴۵ به ۱۱ میلیون نفر کاهش یافت. (یعنی ۶میلیون نفر توسط آلمان کشته شده/ منابع مستقل با آمار علمی، عدد کشته‌ها را حداکثر یکصدوهفتادهزار نفر برآورد می‌کنند.)

جمعیت هستهٔ یهودیان

کشور	تعداد	درصد
فلسطین اشغالی	۶,۰۱۴,۳۰۰	۴۳,۴
آمریکا	۵,۴۲۵,۰۰۰	۳۹,۲
فرانسه	۴۷۸,۰۰۰	۳,۵
کانادا	۳۸۰,۰۰۰	۲,۷
بریتانیا	۲۹۰,۰۰۰	۲,۱
فدراسیون روسیه	۱۹۰,۰۰۰	۱,۴
آرژانتین	۱۸۱,۵۰۰	۱,۳
آلمان	۱۱۸,۰۰۰	۰,۹
استرالیا	۱۱۲,۵۰۰	۰,۸
برزیل	۹۵,۲۰۰	۰,۷

کشور	تعداد
فلسطین اشغالی	۶,۴۵۱,۰۰۰
آمریکا	۷,۲۸۲,۰۰۰
فرانسه	۶۰۰,۰۰۰
کانادا	۵۵۰,۰۰۰
بریتانیا	۳۷۰,۰۰۰
روسیه	۵۰۰,۰۰۰
آرژانتین	۳۳۰,۰۰۰
استرالیا	۱۳۵,۰۰۰
آلمان	۲۵۰,۰۰۰
برزیل	۱۵۰,۰۰۰
آفریقای جنوبی	۸۰,۰۰۰ – ۹۲,۰۰۰
اوکراین	۴۰۰,۰۰۰
مجارستان	۱۵۰,۰۰۰
مکزیک	۵۰,۰۰۰–۶۷,۴۷۶
اسپانیا	۵۰,۰۰۰
بلژیک	۴۰,۰۰۰

کشور	تعداد
هلند	۴۵,۰۰۰
ایتالیا	۴۵,۰۰۰
لهستان	۲۷,۰۰۰
سوئیس	۲۵,۰۰۰
شیلی	۲۵,۰۰۰
ترکیه	۲۱,۰۰۰
سوئد	۲۰,۰۰۰
اروگوئه	۲۵,۰۰۰
بلاروس	۲۵,۰۰۰
پاناما	۱۱,۰۰۰
رومانی	۲۰,۰۰۰
اتریش	۲۰,۰۰۰
جمهوری آذربایجان	۱۶,۰۰۰
ونزوئلا	۱۲,۰۰۰
نیوزیلند	۱۰,۰۰۰
دانمارک	۸,۵۰۰

کشور	تعداد
مراکش	۶,۵۰۰
لتونی	۱۲,۰۰۰
هنگ کنگ	۵,۰۰۰
هند	۷,۰۰۰
یونان	۶,۰۰۰
کلمبیا	۵,۲۰۰
جمهوری چک	۱۵,۰۰۰
ازبکستان	۸,۰۰۰
مولداوی	۷,۵۰۰
ایران	۵،۵۰۰
قزاقستان	۶,۵۰۰
لیتوانی	۶,۵۰۰
گرجستان	۶,۰۰۰
اسلواکی	۴,۵۰۰
کاستاریکا	۳,۰۰۰
چین	۳,۰۰۰

کشور	تعداد
بلغارستان	۶,۰۰۰
استونی	۳,۴۰۰
پرو	۳,۰۰۰
کرواسی	۳,۰۰۰
ایرلند	۲,۴۰۰
پورتوریکو	۲,۵۰۰
اوگاندا	۲,۵۰۰
صربستان	۲,۸۰۰
فنلاند	۱,۸۰۰
نروژ	۲,۰۰۰
ژاپن	۱,۴۰۰
پاراگوئه	۱,۵۰۰
گواتمالا	۱,۵۰۰
تونس	۱,۱۰۰
اکوادور	۳۰۰
لوکزامبورگ	۹۰۰

کشور	تعداد
پرتغال	۱,۰۰۰
جبل طارق	۸۰۰
کوبا	۱,۵۰۰
جزایر ویرجین ایالات متحده	۷۰۰
بولیوی	۹۰۰
بوسنی و هرزگوین	۱,۰۰۰
قرقیزستان	۱,۰۰۰
زیمبابوه	۶۰۰
ارمنستان	۳۰۰–۵۰۰
باهاما	۴۰۰
سنگاپور	۵۰۰
ویتنام	۳۰۰
کنیا	۷۰۰
پاکستان	۱۵۰۰
لبنان	۲۰۰

کشور	تعداد
جامائیکا	۴۰۰
آنتیل هلند	۴۰۰
سورینام	۴۰۰
ترکمنستان	۴۰۰
تایلند	۳۰۰
پلی نزی فرانسه	۱۲۰
مقدونیه	۲۰۰
فیلیپین	۲۰۰
جمهوری دومینیکن	۲۰۰
السالوادور	۲۰۰
قبرس	۲۰۰
مالت	۲۰۰
اسلوونی	۲۰۰
کره جنوبی	۲۰۰
تایوان	۲۰۰

کشور	تعداد
اتیوپی	۱,۰۰۰
بوتسوانا	۲۰۰
جمهوری دموکراتیک کنگو	۲۰۰
نامیبیا	۲۰۰
نیجریه	۲۰۰
ایسلند	۱۰۰
یمن	۳۰۰
مارتینیک	۹۰
فیجی	۶۰
کالدونیای جدید	۵۰
آلبانی	۴۰–۵۰
مصر	۴۰–۵۰
بحرین	۳۶
آزور	۱

– میزان محبوبیت یهود نزد سایر ملّت‌ها
– دلیل تلاش سیاستمداران غربی برای دور نگه‌داشتن صهیونیست‌ها از موطن خود

- دلیل اصلی تسهیل مهاجرت یهودی ها به فلسطین از سوی کشورهای اروپایی، انزجار مردم این کشورها از یهود بوده است.
- و دلیل اصلی آمدن یهودی ها به فلسطین، فرار از دست مردم کشورهاست.

دلیل اصلی نفرت اروپایی‌ها از یهود و رواج یهودستیزی

یهود؛ استاد مسلّم تحریف(۱)

- ده فرمان (Ten Commandments) فهرستی از دستورهای مذهبی است که بر طبق اعتقادات یهودی فرمان‌های یهوه به حضرت موسی هستند. این فرمان‌ها طبق کتاب‌های سفر خروج و سفر تثنیه از جانب یهوه، بر موسی در کوه سینا وحی شد. به باور یهودیان و مسیحیان، این احکام بر دو لوح سنگی حک شدند {کتاب خروج (از پنج کتاب تورات از عهد عتیق)/ باب ۳۱ آیه ۱۸}.
- طبق اعتقادات یهود، چون یهوه سخنان خود را با موسی بر کوه سینا به پایان رسانید، دو لوح دو لوح سنگی شهادت را به وی داد. در باب ۳۲ تورات چنین نوشته شده است:
- چون قوم دیدند فرود آمدن موسی از کوه به درازا کشید، گِرد هارون جمع شده، گفتند:
  - «بیا برای ما خدایان بساز تا پیش روی ما بروند؛ زیرا نمی‌دانیم بر سر این مرد، موسی، که ما را از سرزمین مصر بیرون آورد، چه آمده است.» هارون نیز چنین کرد.
- آیه ۷:
  - آنگاه یهوه به موسی گفت: «بی‌درنگ فرود آ، زیرا قوم تو که از سرزمین مصر به درآوردی، فساد کرده‌اند.»
- آیات ۱۵ و ۱۶:
  - آن‌گاه موسی برگشت و در حالی که دو لوح شهادت را در دست داشت، از کوه به زیر آمد.
- آیه ۱۹:
  - چون موسی به اردوگاه نزدیک شد و آن گوساله و رقص مردم را دید، خشمش شعله‌ور گشت و لوح‌ها را از دستان خود به زیر افکنده، آنها را پای کوه شکست.
- البته در باب ۳۴ آیه ۱ مکتوب است که، یهوه به موسی گفت:
  - «دو لوح سنگی، همچون لوح‌های نخستین بتراش، و من کلماتی را که بر لوح‌های نخستین بود که شکستی، بر آنها خواهم نگاشت.»
- که این امر، در کوه سینا به انجام می‌رسد و فرمان‌هایی دیگر که یهوه به موسی می‌گوید که آن‌ها را مکتوب کند. آیه‌های ۲۹ تا ۳۴:
  - موسی در حالی که دو لوح شهادت را در دست داشت از کوه سینا فرود آمد. اما به هنگام فرود آمدن از کوه، آگاه نبود که چهره‌اش به سبب سخن گفتن با یهوه درخشان است. چون هارون و همهٔ بنی‌اسرائیل موسی را دیدند، چهره‌اش می‌درخشید، پس ترسیدند نزدیک او بیایند؛ ولی موسی ایشان را فراخواند؛ پس هارون و همهٔ رهبران جماعت نزد موسی بازآمدند و او با ایشان سخن گفت. سپس همهٔ بنی‌اسرائیل نزدیک آمدند، و او همهٔ فرمان‌هایی را که یهوه بر کوه سینا به او گفته بود، به‌ایشان داد.
- این فرمان‌ها محور شریعت یهود بوده و تمام احکام شریعت نیز در همین فرمان‌ها ریشه دارد. قوم اسرائیل با پذیرفتن این فرمان‌ها با یهوه هم‌پیمان می‌شود. ده فرمان در باب ۲۰ سفر خروج و در باب پنجم سفر تثنیه، به‌طور منظم و با تفاوت‌هایی بسیار اندک، و در جای جای تورات، به گونه‌ای پراکنده ذکر شده است.

یهود؛ استاد مسلّم تحریف

- **ده فرمان:**
  1. من خداوند خالق تو هستم که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد ساختم.
  2. تو را معبود دیگری جز من نباشد. هیچ تصویری از آنچه در آسمان یا بر روی زمین یا در آب است، نساز و آنها را پرستش نکن.
  3. نام خدای خالقت را بیهوده بر زبان نیاور (از آن سوءاستفاده نکن).
  4. روز شنبه را یاد دار تا آن را مقدّس بداری.
  5. به پدر و مادرت احترام بگذار.
  6. قتل نکن.
  7. زنا نکن.
  8. دزدی نکن.
  9. شهادت دروغ نده.
  10. چشم طمع به مال و ناموس همسایه نداشته باش.

دلبستگی و امید دشمن به اختلافات داخلی و اضمحلال کشور از درون

در جنگ اخیر، وزارت اطّلاعات و سپاه کجا بودند؟

جایگاه و وضعیت مردم و اهالی فرهنگ
حین نبرد و در شرایط آتش بس

- نقش دانشگاهیان در تبیین شرایط
- اگر نمی دانیم، بگوییم: نمی‌دانم!

- «نمی‌دانم» کلید دژ صداقت و راستی
- قال علی علیه‌السّلام: **«مَن تَرَکَ قولَ «لا أدری» اُصیبَتْ مَقاتِلُهُ»** [نهج‌البلاغه/ حکمت ۸۵]

{امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: هر که از گفتن «نمی‌دانم» سر باز زند، به هلاکت می‌رسد}

-تا باور نکنیم که در مرحلهٔ جنگ وجودی هستیم، مسأله را جدّی نمی گیریم.

- جنگ با امریکاست یا با رژیم صهیونیستی؟

- باور کنیم که امریکا و اسرائیل یکی اند نه دو تا! یعنی چه که اسرائیل را بی خیال شویم و به امریکا بپردازیم؟ اسرائیل خط مقدم امریکاست؛ قرارگاه تاکتیکی او در منطقه است؛ جدای از او نیست. اصلا نبرد با اسرائیل تنها مضحک است؛ اسرائیلی بدون امریکا وجود ندارد. وقتی با اسرائیل می جنگیم، یعنی داریم با نیروهای پیشقراول امریکا می جنگیم. این دو را از هم جدا نکنیم.

نترسیم و نترسانیم!

- «نه باید بترسیم و نه باید بترسانیم».
- و از واقعیت نباید غافل شویم. ما قوم بنی‌اسرائیل نیستیم که به حضرت موسی (ع) بگوییم تو وخدایت بروید و بجنگید؛ ما اینجا نشسته‌ایم!
- بله خداوند و امام زمان (عج) پشتیبان این ملّت اند اما عنایت امام عصر (عج) نباید منجر به ساده کردن مسائل شود.
- باید آمادۀ یک جنگ طولانی باشیم؛ باور کنیم که یا آنها نابود می‌شوند یا ما. و باور کنیم که آنها صدمه خورده‌اند ولی نابود نشده‌اند.

- **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ /** آیا پنداشته اید [با ایمانِ بدون عمل] وارد بهشت می شوید، در حالی که هنوز خدا کسانی از شما را که در راه خدا جهاد کرده اند وشکیبایان را [از دیگران] مشخص و معلوم نکرده است؟! (آیۀ۱۴۲/ سورۀ آل عمران)

- **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ** / آیا پنداشته اید در حالی که هنوز حادثه هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می شوید؟! به آنان سختی ها و آسیب هایی رسید وچنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند [در مقام دعا و درخواست یاری] می گفتند: یاری خدا چه زمانی است؟ [به آنان گفتیم:] آگاه باشید! یقیناً یاری خدا نزدیک است. (آیۀ ۲۱۴ سورۀ بقره)